



دلتان می‌خواهد چگونه بمیرید؟ با مشقت، میله آهنی، چاقو، گلوله یا...؟ اصلاً چه فرقی می‌کند، وقتی یک نزاع خیابانی رخ می‌دهد، باید انتظار همه چیز را داشت. برای نمونه روزانه در کلاتری ها و محاکم قضایی شاهد رسیدگی به پرونده‌هایی هستیم که به نوعی در اثر یک اتفاق ساده رخ داده است و طرفین بدون آن که همدیگر را بشناسند، با یکدیگر درگیر شده و خود و طرف مقابل را دچار مشکل کرده‌اند.

بوق زدن، یک تصادف کوچک، نگاه کردن، تنه زدن و ... از این قبیل موضوعاتی است که باعث درگیری می‌شود. کافی است هر روز نگاهی به صفحات حوادث روزنامه‌ها داشته باشید و ببینید این اتفاقات به ظاهر کوچکی که فقط با یک عذرخواهی پایان می‌گیرد، چگونه به یک حادثه دلخراش و گاه موجب جنایت تبدیل می‌شود.

بررسی پرونده‌های جنایی در دادسراها نشان می‌دهد بیش از ۶۰ درصد جنایات‌ها، فقط به دلیل ناسزا و سپس درگیری رخ داده است و تنها ساعتی بعد فردی که با کمی خویشتنداری و گذشت می‌توانسته از وقوع حادثه پیشگیری کند، خود را گرفتار کرده و موجب خسارت‌های مالی و جانی شده که گاه این نوع رفتارها به جنایت و در ادامه به قصاص منجر شده است.

چندی پیش در یکی از خیابان‌های تهران مرد میانسالی که خودرویش خراب و موجب ترافیک شده بود، مقابل اعتراض راننده جوانی که با گذاشتن دست روی بوق خودرو به وی ناسزا گفت و جوان راننده نیز با وی درگیر شد و زمانی به خود آمد که مرد میانسال به دلیل اصابت مشت‌هایی که به سینه‌اش خورده بود، مقابل چشم حیرت‌زده مردم جان باخت.

پس از دستگیری این جوان، وی ساعتی بعد در دادسرا به بازپرس جنایی می‌گفت من هنوز خواب هستم و تصور نمی‌کنم یک انسان را کشته‌ام! اما متأسفانه با محاکمه این جوان، وی به خواست خانواده مقتول به قصاص محکوم شد؛ یعنی نابودی و مرگ دو انسان که فقط برای لحظه‌ای قربانی خشم خود شده بودند.

همین چند روز پیش راننده یک دستگاه اتوبوس در شرق تهران که قصد پارک وسیله نقلیه‌اش را در یکی از خیابان‌های تهرانپارس داشته، به دلیل اعتراض یکی از همسایه‌ها که از او خواسته بود تا خودرویش را در محل دیگری پارک کند، میان آنها درگیری پیش آمده و راننده پس از اصابت سر به درختی که در حاشیه خیابان بوده، جانش را از دست داده و همسایه معترض نیز با دستور قضایی بازداشت و روانه زندان شده است.

اگر بخواهیم به حوادث این چنینی اشاره کنیم، باید از نگاه آمار به آن توجه کنیم که ناسزا در رتبه نخست درگیری‌های خیابانی قرار دارد و بیشتر درگیری‌ها نیز در فصل گرما که تحمل مردم کاهش می‌یابد، رخ می‌دهد.

کارشناسان پزشکی قانونی و امداد و نجات می‌گویند در چهار ماه نخست امسال ۲۲۶ هزار و ۶۱۷ نفر به دلیل صدمات ناشی از درگیری‌های مختلف خیابانی به مراکز پزشکی قانونی سراسر کشور مراجعه کرده‌اند که ۱۵۸ هزار و ۵۹۹ نفر مرد و ۶۷ هزار و ۹۵۸ نفر زن بوده‌اند؛ اما به راستی علل اصلی این درگیری‌ها چیست؟

درگیری دوراننده جوان خودروهای مسافرکش بر سر سوار کردن مسافر در یک نیمروز تابستانی در یکی

آنها رشد نکرده، می‌دانند، زور بازو و استفاده از آن برای به کرسی نشاندن و اثبات نظر خود، ویژه جوامع مکانیکی و قبیله‌محور است.

نبود آموزش نیز از عوامل موثر در نزاع‌های خیابانی است، زیرا هر انسانی قادر است بسیاری از مسائل را یاد بگیرد. خانواده مهم‌ترین مرکز آموزش مهارت‌های زندگی است و یادگیری مسائلی مانند خونسردی، متانت، تامل، تفکر و چاره‌جویی برای حل مشکلات در سرنوشت انسان و نحوه زندگی او در تمام دوران زندگی موثر خواهد بود. ضمن این که فقر اقتصادی نیز عاملی برای بروز این گونه درگیری‌ها بوده و گاهی مشکلات مالی بر توان و حوصله افراد غلبه می‌کند و باعث می‌شود افراد بر سر مسائل کوچک و کم‌اهمیت با یکدیگر درگیر شوند.

افرادی که دارای برنامه‌ریزی در زندگی هستند، بسیاری از مشکلات را پیش‌بینی می‌کنند و با آمادگی قبلی برای هر موردی اقدام می‌کنند به طوری که کمتر باعث درگیری، ضرب و جرح و منازعه می‌شوند. اما نکته مقابل آنها افرادی هستند بدون برنامه که باری به هر جهت، روزگار را می‌گذرانند و بیشتر دچار مشکل می‌شوند.

آمارهای پزشکی قانونی نشان می‌دهد بیشترین موارد درگیری‌ها، بین افراد جوان صورت می‌گیرد. این افراد ویژگی‌هایی مانند نابخشودگی، بی‌تجربگی، انرژی زیاد و تحریک‌پذیری دارند و مستعد درگیری و زد و خورد و پیامدهای آن هستند و در این میان نقش خانواده‌ها و رسانه‌های جمعی در کنترل این درگیری‌ها بسیار موثر است و والدین باید همواره همنشینی‌های جوانان، رفت و آمد آنها و برنامه‌های روزانه‌شان را تحت نظارت قرار دهند.

از خیابان‌های شلوغ تهران، نگاه‌های بدون انگیزه عابران پیاده و سایر راکبان و وسایل نقلیه را چند لحظه به دنبال خود می‌کشد. غیر از یکی دو نفر که سعی دارند دو مرد خشمگین را از هم جدا و از درگیری جلوگیری کنند، سایر عابران و موتورسواران بی‌تفاوت این صحنه را نگاه می‌کنند و از کنار آنها می‌گذرند. شاید بی‌تفاوتی نگاه عابران برای این است که این زد و خورد‌های خیابانی بخشی از زندگی روزمره کسانی است که هر روز مجبورند در خیابان‌های شلوغ و پرجمعیت پایتخت در رفت و آمد باشند. بر اساس آمار اعلامی پزشکی قانونی می‌توان گفت روزانه حدود ۱۹۰۰ نفر در شهرهای مختلف کشور درگیر دعوای خیابانی و نزاع‌های محلی و محله‌ای شده و به علت ضرب و جرح و بالاگرفتن درگیری سر از نیروی انتظامی و پزشکی قانونی درمی‌آورند. به طور قطع تعداد درگیری‌های فیزیکی و لفظی که بدون دخالت پلیس به پایان می‌رسد، اما آرامش شهر و خیابان را خراش می‌دهد به مراتب چند برابر بیشتر از این آمار رسمی است.

کارشناسان بر این عقیده‌اند بیش از نیمی از افرادی که به مراکز معاینات پزشکی قانونی مراجعه می‌کنند، جراحت دارند و حدود ۲۰ درصد این جراحت ناشی از بروز درگیری‌ها و نزاع‌های خیابانی است. توفری بر صفحه حوادث روزنامه‌ها و سایت‌های خبری از وقایع تأسف‌برانگیزی حکایت دارد که منشأ آنها از یک نزاع خیابانی بر سر یک مساله معمولی شروع و به حوادث خونینی منجر شده است. کارشناسان سازمان‌های پزشکی قانونی و امداد و نجات هلال احمر استفاده از قدرت بدنی به جای منطق برای حل مسائل و مجادلات را ویژه جوامعی که هنوز شهرنشینی و مدنیت در